

خلاف جهت آب

www.ketab.ir

سرشناسه	نوری معصومه، ۱۳۵۲:
عنوان و نام پدید آور	خلاف جهت آب/ معصومه نوری
مشخصات نشر	تهران: فرادید، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری	۲۱۲ صفحه
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۶۵۲۵-۷۱-۶:
وضعیت فهرستی نویسی	فیبیا
موضوع	نوری معصومه، ۱۳۹۴
موضوع	مصاحبه با معلولین
موضوع	معلولان- ایران- سرگذشت نامه
رده بندی کنگره	۱۳۹۴ خ ۸ ن ۳۰۱۲ HV
رده بندی دیویی	۳۶۲/۴۰۹۵۵:
شماره کتابشناسی ملی	۳۹۵۴۴۶۴:



نشانی انتشارات فرادید: رسالت- بین هرسبز و دردشت- شماره ۶۰۱ واحد ۲

تلفن: ۷۷۸۹۳۶۶۴

نام کتاب: خلاف جهت آب

مؤلف: معصومه نوری

ویراستار: دکتر حسین بخشی

طرح روی جلد: محمد قاسم زاده

حروف نگاری: معصومه نوری

صفحه آرای: خانم دلیر

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ اول: پاییز ۱۳۹۴

چاپ: نشاط

قیمت: ۱۰۰.۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۲۵-۷۱-۶

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۵	مقدمه دکتر محمد کمالی
۸	مقدمه دکتر حسین سراج زاده
۱۰	مقدمه دکتر حسین بخشی
	ام اس
۱۲	مریم قاسمی
۱۶	افشین حاتمی منزله
۲۲	علی کردی
	دستروقی های عضلانی
۲۸	سعید ضروری
۳۶	ترانه میلادی
۴۷	زهرا (سهیلا) رحمانپور
	ضایعه نخاعی
۵۴	منصور برجیان
۵۹	یحیی توکلی
۶۶	آرش رزقی بارز

فلج اطفال

- ۷۲ فاطمه رخشانی
- ۸۳ آرزو قنبری
- ۹۳ پروین هشتري

فلج مغزی CP

- ۱۰۰ سيد محسن حسيني طاهي
- ۱۰۸ هانيه عرب
- ۱۱۵ بهاره هنرپرور

قطع عضو

- ۱۲۶ زهره اعتضاد
- ۱۳۳ محمود کاري
- ۱۴۰ احمد محمودي سرشت

کوتاه قد

- ۱۴۶ حميد ابراهيمي
- ۱۵۳ فاطمه سادات قريشي
- ۱۵۷ حسن همتي

نايينايان

- ۱۶۳ سعيد دولابي
- ۱۶۷ سهيل معيني
- ۱۷۸ مهين زورقي

ناشنوایان

- ۱۸۶ مونا حسینیان
- ۱۹۱ مهسا خان احمدی
- ۱۹۶ حسین مسلمی

www.ketab.ir



مقدمه

اراده و پشتکار مهم‌ترین و کلیدی‌ترین واژه‌هایی است که باعث موفقیت می‌شود و موفقیت‌های هر فرد، افتخارات و دستاوردهای مهم زندگی او به حساب می‌آیند و ویژگی‌های خارق‌العاده و امتیازات او را نسبت به دیگران نشان می‌دهند. معنی موفقیت هنگامی برجسته‌تر می‌شود که انسان بتواند با شرایط خاص، خودش را به جامعه بقبولاند، جامعه‌ای که بر بنیاد باورهای نادرست و نگرشی برخاسته از ناآگاهی، درک صحیحی از او و توانمندی‌هایش ندارد. آنگاه که معلولیت جسمانی سدی بر راهگذار پیشبرد زندگی بر می‌آورد، نیل به موفقیت در زندگی فردی و اجتماعی، دشوار و گاه ناممکن می‌نماید.

در گام نخست، نوشتن در این مورد برایم دشوار می‌نمود نه از آن رو که سخن گفتن از معلولیت، به ذات خود امری دشوار است چرا که درک میزان رنج‌های تحمیل شده این ناتوانی تقدیری، (در جامعه‌ای که کم‌ترین نتایج‌کنندگی و ناتوانی در حرکت بازماندن از حداقل حقوق انسانی و شهروندی برای زیستن در اجتماعی با اکثریت سالم است)، برای سایرین عموماً دیرپای و تا حد بسیاری ناملموس می‌نماید، بلکه از آن رو که خود نیز سالها با این مسائل و مشکلات دست و پنجه نرم کرده‌ام و رنج‌های حقیقتاً توصیف‌ناپذیر آن را به دوش جسم و احساس برکشیده‌ام.

از این رو با به یاد آوردن زندگی مشقت‌بار اما پرافتخار معلولانی که جامعه با نظاره و قضاوت ناتوانی‌ظاهری ایشان، قدرت فکر، سلامت ذهن و تیزهوشی آنها را نادیده انگاشته بود، قدرتی که اصلی‌ترین علت توانایی و موفقیت نوع بشر است،

بر آن شدم تا فریادی از عمق جان و به بلندای رنج بشر برآورم و از کسانی سخن بگویم که تجلی ستودنی ترین کوشش های بشر بر بنیاد خردورزی و هوشیاری اند. به راستی اگر هلن کلر، بتهوون، کالو، کریستی براون و بسیاری از نام آوران تاریخ بشر با وجود معلولیت های مختلف، توانستند و بر تارک موفقیت درخشیدند، چرا اکنون و در ایران زمین کسانی نباشند که بتوان با وجود تمامی محرومیت های جسمانی از کوشش های نستوده و پایداری و توفیق ایشان سخن گفت؟

کاش می شد چشم ها را شست و جور دیگر دید، و فریاد برآورد که "نه همین جسم سلیم است نشان آدمیت" ...

در سال ۱۳۵۲ در شهرستان نیشابور تولد یافتم، در سن چهار سالگی بر اثر تشنج شدید دچار معلولیت شدم و با توجه به محیط کوچک شهرستان و امکانات کم از دوران کودکی با کمک خانواده ام به مبارزه با مشکلات برخاستم، در مدارس عادی درس خواندم، تحصیل من یک نوع مبارزه بود هر روز با مسائل جدیدی مواجه بودم و همواره سعی داشتم خودم را به اجتماع آن گونه که هستم بقبولانم، نه بدان شیوه که آنها قضاوت می کنند. از کودکی آرزو داشتم بلافاصله مورد قضاوت های عجولانه اطرافیان و جامعه ام قرار نگیرم، از توانایی ها و مشکلات خود با آنها سخن بگویم و این حقیقت را گوشزد کنم که "تصور می کنم که از من و هموعان من دارید اشتباه است" بگویم: من نیز مانند شما هستم، با این تفاوت که با محدودیت های جسمی و شرایط خاص مواجه هستم ولی قادر هستم مانند شما زندگی کنم، سالها سپری شد من همچنان در آرزوی اثبات توانایی خود و دگرگون ساختن نگرش و قضاوت اطرافیان و جامعه به سر می بردم اما متأسفانه مشکلات پایان ناپذیرم از عدم آگاهی اطرافیان و جامعه برمی خاست و شدت می گرفت. پس از طی دشواری های نگفتنی و نهفتنی، که اظهارشان جز افزودن درد و رنج نیست، تنها راه جاره در تغییر باورهای اجتماع را در خود یافتیم ... (از خود بطلب هر آنچه خواهی که تویی). بعد از پایان تحصیل تصمیم گرفتم مستقل باشم و موفق شدم در مکان های مختلف به فعالیت بپردازم مدتی در یک موسسه به کارهای تبلیغاتی طراحی بیلبورد و بنر پرداختم و در یک آتلیه به میکس و مونتاژ مشغول شدم ولی حس کردم هنوز نگاه های پر از ابهام و ترحم و گاهی هم تحقیر آمیز متوجه من است از این رو تصمیم گرفتم دلنوشته های دلتنگی ام را در مجموعه ای گردآوری کنم با این امید که نگرش جامعه را تحت تاثیر قرار



دهم. این مجموعه در سال ۱۳۸۴ به نام "چرا صورتم خیس می شود؟" به چاپ رسید و دریاچه های نوینی را بر زندگی ام گشود. دیگر تنها نبودم! به همراهی تجربیات همونعانم قدم به دنیای جدیدی گذاشتم. دوستانی را دیدم که برای آگاه ساختن افراد جامعه تلاش می کنند. به این باور رسیدم تلاش ما در شناساندن توانایی ها و دستیابی به حقوق برابر انسانی و شهروندی تعیین کننده و عامل دگرگونی دیدگاه های جامعه بوده و می تواند گام اساسی در فرهنگ سازی برخورد و منش اجتماعی با ناتوانی های جسمی را بردارد.

بعد از انتشار کتاب اول و آغاز زندگی مشترک، وارد دانشگاه شدم. توجهم به مسائل اجتماعی و فرهنگی که می دیدم تا چه حد زندگی من و همونعانم را تحت تاثیر قرار داده است، مشوقم شد تا رشته پژوهشگری علوم اجتماعی را برگزینم و به مسائل مرتبط با معلولیت با دیدی علمی تر بنگرم.

از این رو تصمیم گرفتم که برای شناساندن انواع معلولیت ها و نیز معرفی موفق ترین نمونه های معلولان کشورمان کتاب حاضر را تهیه کنم، در این راه با مشکلات بسیاری مواجه شدم تلاشم بر این بوده است که به گزینه هایی در مناطق مختلف کشور مراجعه کنم تا تفاوت های فرهنگی مختلف را در برخورد با معلولین خاطرنشان سازم.

جستجوی این افراد کار ساده ای نبود از راه های بسیار و در عین حال دشوار، با پرس و جو از افراد متعدد و مراجعه به NGO ها توانستم این عزیزان را بیابم، با توجه به مسافت و مشکلات فراوان توانستم از چند روش با این افراد ارتباط برقرار کنم، از راه مصاحبه رو در رو و یا به سبب دشواری مسافت با تلفن و یا ایمیل موفق شدم با این دوستان آشنا شوم و از هر نوع معلولیت سه نفر را انتخاب کردم این گروه ها شامل CP, MS دیستروفی، قطع عضو، ضایعه نخاعی، فلج اطفال، نابینا، ناشنوا و کوتاه قامتان بودند و بالطبع باید با روش های متفاوت با این چند گروه مصاحبه انجام می شد. از این رو کار دشوارتر شد بعضی از عزیزان که قادر به نوشتن نبودند و باید از روش تلفنی استفاده می شد، ناگزیر باید آنها را از صوت به نوشتاری تبدیل می کردم و با گروه ناشنوایان که قادر به شنیدن نبودند از راه پیامک و ایمیل ارتباط برقرار ساختم. مهم ترین قسمت کار من ایجاد ارتباط دوستانه و صمیمی و کسب اعتماد ایشان بود، در نهایت پس از یک سال و نیم موفق به جمع آوری مصاحبه ها شدم و پس از بازبینی و تایپ، اثر را به محضر دوستان و خوانندگان محترم تقدیم می دارم.

در پایان از همیاری و الطاف دوستانی که در به ثمر رسیدن این اثر، همکاری نمودند صمیمانه سپاسگزاری می‌نمایم.

از جناب آقای دکتر کمالی، جناب آقای دکتر سراج زاده، سرکار خانم دکتر نگین حسینی و جناب آقای دکتر حسین علی قلی زاده و جناب آقای سید محسن حسینی طلاها برای راهنمایی ارزشمندشان و جناب آقای دکتر حسین بخشی و سرکار خانم دکتر مریم مرادی که در ویرایش این مجموعه همراه بودند قدر دانم. هم‌چنین از جناب آقای مهندس برجیان، سرکارخانم محبوبه رحمان، جناب آقای مهندس شریعتمداری، جناب آقای شهرام مبصر، جناب آقای سعید ضروری، سرکار خانم معصومه فراهانی و سرکار خانم راضیه نصیری که در جستجوی افراد موفق معلول یاری‌ام کردند و از جناب آقای هاشم خانی، سرکار خانم عابدحیدری، سرکار خانم افسانه تصدیقی که در پیاده نمودن و تایپ مطالب به من یاری رساندند و از زحمات جناب آقای جیروودی مدیر انتشارات فرادید و هم‌چنین جناب آقای محمد قاسم زاده که نقاشی طرح جلد را بر عهده داشتند کمال تشکر و قدردانی را دارم. و هم‌چنین از سایر عزیزانی که در این مجموعه مرا یاری داده اند و من در حال حاضر حضور ذهن ندارم که از این عزیزان نام ببرم، سپاسگزارم. امیدوارم کتاب حاضر گامی در جهت بالا بردن آگاهی جامعه نسبت به معلولیت بوده و مورد نقد و ارزیابی کارشناسان و صاحب نظران حوزه معلولیت قرار گیرد.

۱۳۹۴/۵/۱۸

معصومه نوری

نشانی سایت : www.yadesh-bekheir.blogfa.com

نشانی ایمیل : nouri_masi@yahoo.com

همراه : ۰۹۱۹۶۴۳۱۹۳۷



مقدمه آقای دکتر کمالی^۱

معلولیت از دیرباز همراه آدمی بوده است. نوع نگاه به این مسأله در جوامع مختلف مراحل گوناگونی را طی نموده است که در مجموع این نگاه، نگاهی بیشتر منفی و نامناسب بوده است. چند دهه اخیر را می‌توان دورانی از شکل‌گیری و رشد نگرش‌های مثبت و مناسب به این مسأله در نظر گرفت؛ هرچند در طول تاریخ هم چنین نگرشی به این امر وجود داشته است. با این حال بهترین دوران نگاه انسانی به مسأله معلولیت و معلولان از پایان جنگ جهانی دوم و پیشرفت‌های پزشکی و توانبخشی آغاز می‌شود؛ حضور بازماندگان فراوان جنگ که نیاز به خدمات توانبخشی داشتند و به تدریج خواهان حضور فعال‌تر در اجتماع بودند، نهضت‌هایی را برای تأمین حقوق افراد معلول شکل داد که مهم‌ترین نماد آن را در «نهضت عادی سازی» در دهه ۱۹۷۰ میلادی می‌توان سراغ گرفت. مطرح شدن حقوق معلولان در این دوران و پرداختن سازمان ملل متحد و زیرمجموعه‌های آن به عنوان مهم‌ترین سازمان جهانی، همچون سازمان جهانی بهداشت، سازمان بین‌المللی کار، یونیسف و یونسکو به این موضوعات از دهه ۱۹۸۰ به بعد، از جدیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار گردید. تعیین سال جهانی معلولان (۱۹۸۱) و دهه اقدام برای معلولان (۱۹۹۳-۱۹۸۲) سرآغازی بود برای فعالیت‌های عمده‌ای در جهت تأمین حقوق نادیده گرفته شده افراد معلول در جهان که به تصویب کنوانسیون جامع حقوق معلولان در سال ۲۰۰۶ رسید.

در این مجموعه از فعالیت‌ها، حضور معلولان پررنگ و چشمگیر بوده است. کنوانسیون جامع حقوق افراد معلول، اولین کنوانسیون سازمان ملل در هزاره سوم است و نقش دینفعان کنوانسیون در طراحی و تصویب آن بی‌نظیر بوده و برای نخستین بار در تاریخ سازمان ملل متحد شکل گرفته است. این حضور از جمله وقایع مهمی است که در طول تاریخ هم می‌توان نمونه‌های آن را سراغ گرفت که معلولان حضوری مؤثر و تعیین‌کننده داشته و نقش‌های مهمی ایفا نموده‌اند.

^۱ - آقای دکتر محمد کمالی دانشیار دانشکده علوم توانبخشی دانشگاه علوم پزشکی ایران

شخصیت‌های معلول شاخص و بزرگی را در تاریخ می‌توان سراغ گرفت که از نمونه‌های جهانی آن می‌توان از هومر، هلن کالر، لویی بریل، بتهوون، سروانتس، خورخه بورخس، مارسل پروست، جوزف پولیتزر، روزولت، طه حسین، جان فورد، و از نمونه‌های ایرانی می‌توان از رودکی، ادیب نیشابوری، محمد خزائلی، غلامحسین بنان، محمد قاضی، فاطمه میرفتاح و فاطمه بزرگ نیا را نام برد.

بسیاری از این افراد علیرغم داشتن نوعی از ناتوانی و معلولیت، در دوران خود توانستند مسیر رشد و پیشرفت را بیمایند و به موفقیت‌های زیادی دست یابند که حتی خیل عظیمی از افراد عادی قادر به کسب آن نبوده‌اند. بازخوانی سرگذشت آنان و مسیر طی شده توسط ایشان می‌تواند برای دو گروه از انسان‌ها مهم و مفید باشد؛ گروه اول، افراد عادی جامعه و گروه دوم، افراد معلول هستند که این دو گروه می‌توانند از دو منظر متفاوت به مطالعه این امر بپردازند؛ از منظر گروه اول شناخت این افراد، تلنگری جدی برای تلاش بیشتر در جهت دستیابی به موفقیت است، و از منظر دسته دوم که خود مبتلا به معلولیت‌اند، آنان الگوهایی از تلاش و پویایی‌اند که الگوگیری از ایشان منجر به ترک سستی و کاهلی در جهت رسیدن به اهداف بزرگ خواهد بود.

تا به حال چند کتاب با موضوع زندگی و موفقیت‌های معلولان نوشته شده و از زوایای مختلفی به این موضوع پرداخته شده که محور اصلی همه آنها بازخوانی مسیر موفقیت معلولان، در دوران قدیم و جدید بوده است. کتاب حاضر که توسط سرکار خانم «معصومه نوری» تدوین شده است، حاصل مصاحبه‌هایی است که ایشان با تعدادی از معلولان موفق ایرانی در چند سال اخیر انجام داده‌اند. این کتاب از این منظر می‌تواند ارتباط زنده‌ای با مخاطب ایرانی برقرار کند، زیرا موضوع و اشخاص آن نه مربوط به گذشته‌ها، بلکه متعلق به امروز است.

معصومه نوری، نویسنده کتاب "برخلاف جهت آب" را چند سالی است که می‌شناسم. معلولیت وی ابتلا به فلج مغزی در دروان کودکی است که عوارض آن تاکنون برایش باقی مانده است که وی علیرغم آن توانسته است مدارج پیشرفت را به خوبی طی کند. خانم نوری پیش از این کتاب با عنوان "چرا صورتم خیس می‌شود؟" نیز منتشر نموده که کتابی بسیار ارزشمند است. خوشبختانه ازدواج موفق وی با دوست عزیزم، جناب آقای محسن حسینی طاه‌ها، موجبات رشد و اعتلای بیشتری را برای هر دو نفر فراهم ساخته است. محسن که مصاحبه‌ای از وی نیز در این کتاب آمده است، همچون معصومه به فلج مغزی مبتلاست. او



علیرغم محدودیت‌های شدیدش، درجه کارشناسی ارشد خود را اخذ نموده و از فعالین حوزه معلولیت است.

تلاش چند ساله خانم نوری برای دسترسی به افراد، انجام مصاحبه‌ها و تدوین مجموعه آنها ستودنی است. مسلماً این کتاب می‌توانست شامل معرفی معلولان موفق بیشتری بشود. افراد معلول موفق در جامعه ایران فراوان‌اند، اما محدودیت‌ها را باید پذیرفت و به همین مختصر بسنده کرد:

هم به قدر تشنگی باید چشید

آب دریا را اگر نتوان کشید

دکتر محمد کمالی - مرداد ماه ۱۳۹۴

www.ketab.ir



مقدمه آقای دکتر حسین سراج زاده^۲

معلولیت وضعیتی است که در همه جوامع، شماری از افراد به خاطر عوامل طبیعی و یا سوانح با آن دست به گریبان می‌شوند. معلولیت مانند هر پدیده دیگر یک برساخته اجتماعی است و تصویری که از آن در ذهن افراد جامعه ایجاد می‌شود در یک زمینه فرهنگی و اجتماعی شکل می‌گیرد. این‌که جامعه چه برخوردی با معلولان داشته باشد، به نگاه افراد آن جامعه به پدیده معلولیت بستگی دارد. این نگاه در یک فرایند اجتماعی شکل می‌گیرد که در ایجاد آن جریان‌های فکری که توسط نخبگان فکری و چهره‌های موفق معلولان از طریق رسانه‌ها و در زندگی روزمره آنان ایجاد می‌شود، نقش تعیین‌کننده ای دارند. خوشبختانه، در سال‌های اخیر، توجه به مفاهیم حقوق بشر و حق شهروندی و بسط مصادیق آن به همه افراد جامعه از جمله معلولان، درک تازه‌ای از مفهوم معلولیت در سطح جهانی و ملی ایجاد کرده و مردم و نیز مدیران جامعه را با مطالبات به حق آنان مواجه ساخته است. در این میان، تلاش‌های عملی، فکری و رسانه‌ای چهره‌های موفق معلولان نقش تعیین‌کننده‌ای در تغییر نگاه مردم و مدیران جامعه نسبت به پدیده معلولیت و نحوه برخورد با معلولان دارد.

از سال ۱۳۸۷ که مسئولیت انجمن جامعه شناسی ایران را بر عهده داشتیم با آقای سید محسن حسینی و سپس با همسرش خانم معصومه نوری آشنا شدم و از همان زمان مجذوب روحیه عالی و همت بلند آنها شدم. این زوج از افرادی هستند که در عین این‌که محدودیت‌های معلولیت را تجربه می‌کنند، با امید، اراده و سخت‌کوشی بر این محدودیت‌ها غلبه کرده و زندگی فوقی داشته‌اند. علاوه بر این، با تولیدات فکری و انتشار آثاری درباره معلولیت و معلولان، برای طرح مسائل معلولان و پی‌گیری مطالبات آنان تلاش‌های فکری زیادی کرده‌اند. انتشار چنین

^۲ - سید حسین سراج زاده، دانشیار جامعه شناسی دانشگاه خوارزمی

آثاری می‌تواند نگاه جدیدی در مردم و مسئولان نسبت به پدیده معلولیت ایجاد کند و موجب شود به حقوق و مطالبات معلولان توجه بیشتری صورت گیرد. اثر جدید خانم نوری، "بر خلاف جریان آب" که حاوی گفت و گو با شماری از معلولان موفق است، به چند دلیل اثر ارزشمندی است. نخست این‌که تولید کننده اثر، خود، فردی است که از دوران کودکی با پدیده معلولیت مواجه بوده و تجربه زیسته‌ای از آن دارد که باعث می‌شود در طرح مسائل معلولان تجربه زیسته عمیقش را بازنمایاند. دوم آنکه، روایتی از فراز و فرودهای زندگی افرادی که با انواع مختلفی از معلولیت‌ها دست بگریبان بوده‌اند ارائه می‌کند و در نتیجه، تصویری همه‌جانبه‌تر از پدیده معلولیت و انواع آن در مخاطب ایجاد می‌کند. سوم آنکه، با وجود این تنوع و تفاوت معلولیت‌ها، ما را با خواسته‌های مشترک همه آنان آشنا می‌سازد. دیگر این‌که، معرفی چهره‌های عادی و در عین حال نسبتاً موفق معلولان، علاوه بر اثری که در ایجاد درکی تازه و همدلانه از پدیده معلولیت در مخاطبان غیر معلول دارد، برای معلولان هم ثمربخش است و می‌تواند معنای تازه‌ای به زندگی آنان بدهد و حس امیدواری و اعتماد به نفس و توانمندی را در آنان تقویت کند. از این نظر به خانم نوری به خاطر تولید این اثر تبریک می‌گوییم. امیدوارم، با همت و تلاش معلولان تحصیل کرده و موفقی هم‌چون معصومه نوری و محسن حسینی، خودباوری و اعتماد به نفس افراد مواجه با معلولیت تقویت شود، ادراک عمومی از پدیده معلولیت و مسائل معلولان جنبه واقعی‌تر و انسانی‌تری پیدا کند و به خواسته‌ها و حقوق آنان توجه بیشتری صورت گیرد.

دکتر سید حسین سراج زاده،

دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی

مقدمه آقای دکتر حسین بخشی^۲

بسیار اتفاق می افتد که با کمال سلامتی که داریم، گاهی یک سردرد کوچک، یک سرماخوردگی، یک زمین خوردن و... چنان ناراحت و بی تابمان می کند که گویا دنیا به آخر آمده است و با بی صبری به زمین و زمان بد می گوئیم.

کسانی که در این کتاب معرفی شده اند، بزرگ ترین معلمان زندگی هستند؛ معلمانی که با وجود شدیدترین انواع ناراحتی های جسمی، سپاسگزار زندگی اند و ناب ترین درس زندگی را باید از آنان آموخت. اینان شباهت عجیبی به نیلوفر دارند: گل هایی زیبا و سحرانگیز که در دل مردابی از کمبودها و ناراحتی های جسمی، روح پرشکوه و سبز خود را بالا می کشند و با تلاش های شگفت آورشان همگان را مبهوت خود می کنند.

مطالعه این کتاب را به همگان توصیه می کنم و یقین دارم که با خواندن این کتاب، بسیاری از ما، از ناشکیبایی ها و شکایت هایمان از زندگی پشیمان می شویم و بر بسیاری از کبر ورزیدن هایمان افسوس می خوریم.

حسین بخشی

دهم مرداد ماه ۱۳۹۴

^۲ - آقای دکتر حسین بخشی: استادیار رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زنجان